

ریخت‌شناسی تلفظ برخی واژه‌های فارسی^۱

دکتر محمد رضا حصارکی^۲

چکیده

ریخت‌شناسی واژه‌های فارسی بدلیل تنوع تلفظ زبانی و پراکندگی جغرافیایی همواره دستخوش تغییر و تحول بوده است به طوری که سواً کتب رسمی و آموزشی که در مدارس تدریس می‌شود در مراودات روزمره و ارتباطات اجتماعی برخی از واژه‌ها بنا به مقتضیات زمانی و سایر عوامل باعث دگرگونی ریخت‌شناسی واژه‌ها شده است. استادان و متخصصان متعدد، چه در داخل و چه در خارج، در این زمینه در حال فعالیت هستند. کتاب‌های متعددی نیز در این موضوع تألیف شده است. کدام تلفظ‌ها باید به غیرفارسی زبان‌ها آموزش داده شود؟ تلفظ مطابق فرهنگ لغت یا تلفظ رایج؟. تحقیق حاضر سعی دارد به صورت علمی و با استفاده از روش‌های زبان‌شناختی و نیز با توجه به اهداف کاربردی، الگوی موثری برای استفاده دست‌اندرکاران و در آموزش‌های زبان فارسی را تدوین و ارائه نماید. مقاله حاضر که مستخرج از طرح پژوهشی بت عنوان درست بگوییم استخراج شده است در زمینه ریخت‌شناسی تلفظ برخی از واژه‌های فارسی مطالعاتی را انجام داده است.

واژگان کلیدی: واژه‌های فارسی، تلفظ فارسی

تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۱۶

^۱ این مقاله حاصل طرح پژوهشی با عنوان درست بگوییم با حمایت دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس بوده است که نویسنده مقاله از واحد دانشگاهی شهر قدس تشکر و قدردانی می‌نماید.

^۲ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران M.r.hesaraki@yahoo.com

مقدمه

امروزه مردم در گفت‌وگوی رسمی، بسیاری از واژه‌ها را متفاوت از یکدیگر تلفظ می‌کنند. هرچند اختلاف تلفظ سخن‌گویان در یک جامعه‌ی زبانی، پدیده‌ای طبیعی است و در اغلب زبان‌های جهان (مانند انگلیسی، عربی، چینی و...) دیده می‌شود. بطوری که در زبان فارسی نیز اختلاف در تلفظ برخی واژه‌ها یا تغییر تدریجی برخی تلفظ‌ها، امری طبیعی و بدیهی است. اما در سال‌های اخیر، چند عامل موجب شده است که بحث اختلاف تلفظ واژگان فارسی اهمیت خاصی یابد، از جمله: - گسترش صدا و سیما و تولیدات آن. به طوری که اکنون چندین شبکه‌ی ملی، استانی و بین‌المللی در ایران فعالیت می‌کنند. گویندگان و مجریان تلویزیون گاهی با این مسأله که واژه‌ها را چه‌گونه تلفظ کنند، مواجه می‌شوند. - شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی فارسی‌زبان خارج از کشور که برای ایرانیان برنامه پخش می‌کنند. اینان هم به نوبه‌ی خود بر ذهن و زبان مخاطبانشان تأثیر می‌گذارند. - لزوم هماهنگی در سیستم آموزش و پرورش. وقتی معلمی به دانش‌آموز خود می‌گوید از روی کتاب فارسی بخوان و بعد به او نمره می‌دهد، گاهی ممکن است اختلاف تلفظ‌ها موجب شود که قرائت فارسی او را غیررسمی و نادرست بشمارد، بر او خرده بگیرد، یا از نمره‌ی او کم کند. به‌راستی، چه معیار و مرجعی در این زمینه هست؟ آیا معلم خود درباره‌ی آن واژه‌ها تحقیق کرده است؟ و آیا مرجعی برای تحقیق و اظهارنظر قاطع در این زمینه هست؟ - آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبان‌ها. در دو دهه‌ی اخیر، اهتمام به آموزش زبان فارسی در سطح جهانی رو به گسترش بوده است. استادان و متخصصان متعدد، چه در داخل و چه در خارج، در این زمینه در حال فعالیت هستند. کتاب‌های متعددی نیز در این موضوع تألیف شده است. کدام تلفظ‌ها باید به غیرفارسی‌زبان‌ها آموزش داده شود؟ تلفظ مطابق فرهنگ لغت یا تلفظ رایج؟. تحقیق حاضر سعی دارد به صورت علمی و با استفاده از روش‌های زبان‌شناختی و نیز با توجه به اهداف کاربردی، الگوی موثری برای استفاده دست‌اندرکاران و در آموزش‌های زبان فارسی را تدوین و ارائه نماید.

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

اهمیت و فایده پژوهش حاضر، با توجه به اغلب الفاظ و واژه‌های فارسی به صورت‌های مختلف تلف و مورد استفاده قرار می‌گیرد و توجه به اینکه تاکنون تحقیق و پژوهش‌های جامعی در این زمینه صورت نپذیرفته است، تحقیق حاضر می‌تواند به عنوان منبع موثری در شناخت هرچه بیشتر الفاظ

ریخت شناسی تلفظ برخی واژه های فارسی ۱۶۷

و واژه ها و چگونگی بیان و تلفظ آن مورد استفاده کسانی که نقش آموزشی را دارند مورد استفاده و بهره گیری قرار گیرد.

اهداف پژوهش

۱- شناسایی اختلاف و اشتباه تلفظ در واژه های اصیل فارسی به نسبت واژه های بیگانه دخیل در فارسی،

۲- دستیابی به عوامل پیدایش اختلاف تلفظ و استفاده درست از الفاظ و واژه ها،

۳- تدوین الگویی مدون تلفظ و کاربرد صحیح الفاظ جهت استفاده دست اندرکاران و آموزش زبان فارسی

فرضیه های تحقیق

۱- اختلاف و اشتباه تلفظ در واژه های اصیل فارسی به نسبت واژه های بیگانه دخیل در فارسی در چه حد می باشد؟

۲- بیشتر اختلاف و اشتباه تلفظ در واژه های فارسی یا واژغیرفارسی دخیل در فارسی بوده است؟

۳- ضرورت انجام پژوهش های میدانی در تدوین تلفظ واژه ها در فرهنگ های لغات و منابع آموزش زبان فارسی در چه حد است؟

۴- عوامل پیدایش اختلاف تلفظ و استفاده درست از الفاظ و واژه ها در چیست؟

۵- کدامیک از عوامل پیدایش اختلاف تلفظ و استفاده درست الفاظ نقش موثر تر و بیشتری داشته اند؟

متغیرهای تحقیق

متغیر مستقل: واژه های فارسی

واژه های غیر فارسی

متغیر وابسته: اختلاف در تلفظ و استفاده واژه ها

محدودیت های پژوهش

نبود تحقیق جامعی در زمینه پژوهش حاضر، و استاندارد و شاخص یکسانی در استفاده و تلفظ الفاظ و واژه ها، علاوه بر آن کثرت الفاظ و واژه های فارسی و غیر فارسی که در زبان فارسی مورد استفاده قرار گرفته و آموزش داده می شود، از محدودیت های تحقیق به شمار می رود.

پیشینه

پس از گردآوری منابع مکتوب چاپی و جست‌وجوی اینترنتی، مقاله یا نوشتاری در موضوع مقاله حاضرات نشد. البته در مقاله‌های متعدد به مشکل خط فارسی در نداشتن نشانه‌هایی برای مصوت کوتاه اشاره شده است که چون امری بدیهی است، ذکر منابع لزومی ندارد. مسأله‌ی لهجه‌ها و اختلاف تلفظ‌ها نیز یک مسأله زبان‌شناختی است که در مقالات و کتب متعدد (فارسی و انگلیسی) به آن اشاره شده است. اما چنان‌که گفته شد، مقاله یا نوشتاری در خصوص اختلاف تلفظ در نخستین هجای واژگان فارسی نیافتیم.

جامعه پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه واژه‌ها و الفاظ پرکاربرد است که بیشترین اختلاف در تلفظ آن در زبان فارسی وجود دارد.

روش پژوهش و نحوه اجرای آن

نوع مطالعه، روش و نحوه اجرای تحقیق به صورت ترکیبی با استفاده از پیمایش توصیفی و در برخی موارد از روش‌های پژوهش تاریخی، دلفی و کتابخانه‌ای استفاده شده است.

ابزار گردآوری داده‌ها:

تنظیم سیاهه واژه‌های فارسی و واژه‌های بیگانه، فیش برداری از مطالعات کتابخانه‌ای، مصاحبه و چک لیست الفاظ و واژه‌های مورد جستجو جهت گردآوری داده‌های تحقیق استفاده می‌شود.

معرفی برخی از واژه‌های پرکاربرد فارسی

آخَر / آخِر [āxa(e)r]

آخَر: دیگر. یکی از دو چیز یا دو کس. غیر.

آخِر:

۱- مقابل اول، قرار گرفته در پایان:

نام تو کابتدای هر نام است اول آغاز و آخر انجام است نظامی

۲- پسین، بازپسین، آخری، پایانی.

۳- سرانجام:

آخر کار شوق دیدارم سوی دیر مغان کشید عنان هائف

۴- هنگام گلایه، تنبیه، تعجب، و توجه دادن به کار می‌رود:

نه آخر تو مردی جهان دیده‌ای بدونیک هر گونه‌ای دیده‌ای؟ فردوسی

آخَرَت [ˈāxerət]

۱- بازپسین.

۲- جهانی که به اعتقاد دینداران مردم پس از زنده شدن به در آنجا وارد می‌شوند و به اعمال آن‌ها رسیدگی می‌شود؛ جهان دیگر؛ آن جهان؛ آن سرای.

آبکش / آبکش [ˈābke(a)ʃ]

۱- کشنده ی آب؛ آن که با دلو آب از چاه بالا می‌آورد؛ کسی که کارش کشیدن آب از چاه است:

به چاه اندرون آب سرد است و خوش فرودآی تا من بُوم آبکش فردوسی

غلام آبکش باید و خشت‌زن بُود بنده نازنین مش‌زن سعدی

۲- کسی که با مشک یا دلو آب به خانه‌ها ببرد؛ سقا.

۳- سبد یا ظرف سوراخ‌سوراخ که برنج پخته یا سبزی و میوه ی شسته‌شده را در آن می‌ریزند تا آبش برود؛ چلو صافی.

۴- لوله‌های باریکی در گیاه که دارای سوراخ‌های ذره‌بینی است و مواد غذایی را انتقال می‌دهد؛ آوند:

گر گوش تو آهنگ‌شناس است در این باغ هر آبکش برگ گلی رشته ی

سازی

مالک یزدی

آتش / آتش [ˈataʃ]

۱- آن چه از سوختن چوب یا زغال یا چیز دیگر به وجود می‌آید و دارای روشنی و حرارت است.

۲- (مجاز) گرما؛ حرارت.

۳- (مجاز) ناراحتی؛ اندوه.

۴- گلوله.

۵- از عنصرهای چهارگانه؛ آذر.

آسمان [āsmān]

۱- فضای بی‌پایان و نیلگون که بالای سر ما دیده می‌شود. رنگ آبی آن، رنگ هوایی است که کره‌ی زمین را احاطه کرده است.

۲- فضایی که ستارگان و کهکشان‌ها در آن قرار دارند.

۳- سقف بنا.

۴- نیروهای ماوراءالطبیعه که بر سرنوشت انسان تاثیر می‌گذارند؛ سپهر؛ گردون؛ فلک.

آمادگی [‘āmādagi]

آماده و مهیا بودن:

آن جهان صورت شود آن مادگی هر که در مردی ندید آمادگی مولوی

ازاله [‘ezāle]

زایل کردن؛ از بین بردن؛ نابود ساختن.

استان [estān]

بزرگ‌ترین واحد تقسیمات کشور ایران که شامل چند شهرستان است و به وسیله‌ی یک استاندار اداره می‌شود.

استاندار [estāndār]

۱- کسی که از طرف وزارت کشور کارهای یک استان را اداره می‌کند.

۲- والی؛ حکمران.

أسلِحَه [‘asleha]

جمع سلاح است. آلات جنگ، مثل: تیغ و تیر و نیزه و غیره می‌باشد.

أصَالَت [‘asālat]

با اصل بودن؛ اصل داشتن؛ اصیل بودن؛ ریشه‌دار بودن؛ نیک‌نژاد بودن. نجابت.

أقربا [‘aqre(a)bā]

جمع قریب است به معنی خویشاوند:

ای صدر خاندان نبوت چو باب خویش خورشید اقربا شدی و فخر دودمان سوزنی

آن چه را که بعضی مردم بفتح «راء» و ضم «راء» می‌خوانند غلط است .

اَلِف / اِلِف [ʔelf]

۱- الفت.

۲- دوست و همدم و مونس .

اِمَالِه [ʔemāle]

۱- در اصطلاح میل دادن فتحه به کسره به طوری که «الف» صورت «ی» پیدا کند، مثل کتیب

(اماله ی کتاب)، رکیب (اماله ی رکاب)، و سلیح (اماله ی سلاح).

۲- داخل کردن داروی مایع به وسیله ی آلت مخصوص در روده ی بزرگ از راه مقعد.

۳- میل دادن؛ برگردانیدن؛ مایل گردانیدن؛ خم دادن.

اِنَاث [Enās]

ماده از انسان ، بزرگ باشد یا کوچک ، دختر باشد یا زن . زنان . مادگان:

از تو نوشتند از ذکور و از اناث

مولوی

اِنْكَار / اَنْكَار [ʔe(a)ngār]

۱- انکاشتن.

۲- انگارنده (در ترکیب با کلمه ی دیگر): سهل انگار.

۳- گویی؛ به نظر می رسد.

۴- بیندار؛ تصور کن.

اِنْكَاشْتَن / اَنْكَاشْتَن [ʔe(a)ngāštān]

انگاردن؛ انگاریدن؛ پنداشتن؛ گمان کردن؛ خیال کردن؛ تصور کردن.

اِمَارَت [ʔemārat]

۱- امیر شدن.

۲- حوزه ی فرمانروایی امیر.

۳- منصب امیر.

۴- فرمانروایی:

هم امارت هم زبان دارم کلید گنج عرش

وین دو دعوی را دلیل است از حدیث

مصطفی

خاقانی

أوراق / آوراق [ʔo[w]rāq]

۱- برگ ها، برگه ها.

۲- کهنه ، فرسوده.

۳- پریشان احوال ، آشفته.

أوزان / أوزان [ʔo[w]zān]

۱- وزن.

۲- نوعی ساز زهی که بر روی کاسه ی بزرگ آن پوست کشیده می‌شد.

أوقات / أوقات [ʔo[w]qāt]

جمع وقت است.

أوقاف / أوقاف [ʔo[w]qāf]

جمع وقف است.

أولویت / أولویت [ʔo[w]laviy[ya]t]

۱- تفوق؛ رجحان؛ برتری.

۲- مقدم بودن؛ پیش از چیزی یا کسی قرار داشتن.

أولياء / أولياء [ʔo[w]liyā]

جمع ولی است :

اولیا اطفال حقانند ای پسر غایبی و حاضری بس باخبر مولوی

أوهام / أوهام [ʔo[w]hām]

جمع وهم است.

ایاب ذهاب [a(e,i)yāb] [za(e)hāb]

ایاب به معنی بازگشتن؛ بازگشتن؛ بازآمدن؛ بازگشت؛ و ذهاب به معنی رفتن؛ گذاشتن است.

ایوان / آیوان [e(a)yvān]

۱- صفه؛ پیشگاه اتاق.

۲- قسمتی از ساختمان که جلو آن باز و بی‌دروینجره باشد.

۳- کاخ پادشاه.

بَرکت [bare(a)kat]

۱- فراوانی؛ افزونی؛ بسیاری.

۲- خجسته بودن؛ مبارکی: به برکت زحمات شما کارمان زود به اتمام رسید.

۳- نعمت‌ها.

بِساط [ba(e)sāt]

۱- گسترده‌ی؛ هر چیز گسترده‌ی، مانند فرش، سفره، و مانند آن.

۲- سرمایه؛ دستگاه.

۳- زمین وسیع.

بِستر [ba(e)star]

رختخواب گسترده‌شده؛ تشک؛ توشک.

بِقاع [beqā']

خانه ها، سرای ها. اغلب به ضمّ باء تلفظ می شود ولی صحیح به کسر است و شاید این اشتباه از کلمه بُقع که به بای مضموم است نشأت کرده باشد. و

نتیجه گیری

۱- اختلاف در نخستین مصوت واژه‌های فارسی، بیش‌تر در واژه‌های دخیل (وام‌واژه‌ها) روی می‌دهد و کم‌تر در واژه‌های اصیل فارسی. وام‌واژه‌هایی که در نخستین مصوت کوتاهشان اختلاف باشد، تا آن‌جا که نگارنده یافته است، همگی عربی‌اند.

۲- برخی از اختلاف تلفظ‌های مورد بحث در این مقاله در واقع اختلاف تلفظ میان مردم نیست؛ بلکه اختلاف میان ضبط فرهنگ‌های لغت و تلفظ مردم است. در این گونه موارد غالبین تلفظ مردم در فرهنگ‌های لغت نادیده گرفته شده است؛ چنان‌که ضبط تلفظ ۲۵ واژه از ۵۲ واژه‌ی مورد بررسی، در فرهنگ‌های لغت متفاوت است با تلفظ مردم.

۳- به نظر می‌رسد واژگانی که در هجای اولشان میان مصوت a یا e اختلاف تلفظ دارند، اغلب دارای اوزان مشخصی هستند. نگارنده پنج گروه وزنی برای این گونه واژه‌ها یافته است. این نوع دسته‌بندی به فرهنگ‌نویسان و پژوهشگران نوعی قدرت پیش‌بینی و دقت بیش‌تر می‌دهد.

۴- لغت‌نامه‌ی دهخدا و فرهنگ فارسی معین در زمینه‌ی ضبط تلفظ واژه‌های مورد بحث، روشی غیردقیق به کار گرفته‌اند؛ زیرا اغلب تلفظ واژه‌ی دخیل در زبان مبدأ را ضبط کرده‌اند، ولی تلفظ رایج در ایران را ضبط نکرده‌اند. در خصوص واژه‌های اصیل فارسی نیز به تلفظ ضبط‌شده در دیگر فرهنگ‌ها یا تلفظ در فارسی پهلوی نمی‌توان بسنده کرد. در فرهنگ لغت، تلفظ رایج میان عموم باید ذکر شود. فرض کن که فرهنگ‌نویس تلفظی را غلط می‌داند، نظر خود را می‌تواند یادداشت کند؛ چنان‌که علامه دهخدا و دکتر معین گاهی یادداشت‌هایی زیر لغات نوشته‌اند.

۵- در فرهنگ‌های موجود زبان فارسی، اختلاف تلفظ‌های سه گویش اصلی این زبان (فارسی، تاجیکی، دری) ۱ درج نشده است. در فرهنگ‌های تفصیلی رعایت این نکته لازم است.

۶- امروزه بهره‌گیری از پژوهش‌های میدانی یکی از ضرورت‌های فرهنگ‌نویسی است. ضروری است، زیرا:

الف - باید راهنمایی واقعی و قابل‌اطمینان باشد برای صحبت کردن (قرار نیست فقط به کار چند صد نفر استاد ادبیات بیاید.

ب - صدا و سیما و رسانه‌های شنیداری، یا دیداری - شنیداری نیاز دارند که تلفظ امروزی را بدانند و به کار بگیرند.

پ - برای فارسی‌آموزان غیرفارسی‌زبان، آگاهی از تلفظ رایج امروزی مهم است.

ت - به پژوهش‌های زبان‌شناسی تاریخی و تدوین فرهنگ تاریخی زبان فارسی کمک می‌کند.

منابع:

۱. اقبال، یادگار.
۲. برای آگاهی بیش‌تر به کتاب " زبان شناسی و زبان فارسی " از دکتر ناتل خانلری، مقاله‌ی نویسندگی، نگاه کنید.
۳. کسروی. پندارها.
۴. نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات تبریز سال دوم.
۵. یادداشت بخط مرحوم دهخدا.
۶. نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات تبریز سال اول شماره‌ی ۳.
۷. نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات تبریز سال ۱ شماره‌ی ۵.
۸. دستور زبان فارسی از دکتر ناتل خانلری.

۹. نشریه ی دانشکده ی ادبیات تبریز سال اول شماره ی ۶-۷.

۱۰. دکتر خیام پور، نداب ۲: ۱ ص ۲۱.

۱۱. قزوینی، بیست مقاله .

۱۲. قزوینی، تعلیقات لباب الباب، چا، اروپا.

۱۳. از فرهنگ ایران باستان پورداود .

۱۴. از ترمینولوژی حقوق تا لُیف جعفری لنگرودی .

۱۵. فرهنگ لغات عامیانه ی جمال زاده.

۱۶. حاشیه ی برهان چ معین.